

آموزش‌های الکترونیکی و چالش‌های نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری در

دوران کووید-۱۹^۱

(مقاله علمی-پژوهشی)

زهرا شاکری*

چکیده

با ظهور کووید-۱۹، استحالتهای جدی در عرصه‌های گوناگون زندگی، از جمله سبک آموزش‌های عمومی و تخصصی ایجاد شده است. اگر در گذشته، کلاس‌های درس در محیطی فیزیکی با حضور رو در روی مدرسان و دانش‌آموزان/ دانشجویان برگزار می‌شد، در پی عصر کرونایی، تغییر مهمی در آموزش مدارس و دانشگاه‌ها به وقوع پیوست و آموزش مجازی به‌منظور استمرار فرایند آموزش و عدم توقف امر خطیر تعلیم و تربیت جایگزین شیوه پیشین شد. در کلاس‌های مجازی، محتواهای آموزشی شامل فیلم، موسیقی، مقالات و اسلایدهای آموزشی از سوی مدرس یا محصل برای تدریس یا تمرین‌های کلاسی در سامانه آموزشی ارائه می‌شوند. افزون بر اینکه، کلیت کلاس آموزشی نیز ضبط و متعاقباً در دسترس قرار خواهند گرفت. هریک از این موضوعات می‌توانند یک اثر مشمول حمایت نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری (حق مؤلف / کپی‌رایت) باشند. بنابراین، پدیدآورندگان آنان اختیاردارند در خصوص نشر غیرمجاز و سایر بهره‌برداری‌های غیرمجاز، مدعی نقض حقوق مالکیت فکری و نیز سرقت علمی باشند. مسئله پژوهش حاضر آن است که ابعاد و مخاطرات ناشی از حقوق مالکیت فکری آموزش‌های مجازی چیست و چگونه می‌توان این نگرانی‌ها را مدیریت کرد؟ این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی سرانجام نتیجه می‌گیرد که پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی و هنری در فرایند آموزش‌های مجازی می‌توانند با توسل به فناوری‌های ناشی از مدیریت دیجیتال حقوق و بلاک‌چین، استفاده‌های ثانوی را مدیریت کنند. باوجوداین، استثنائات وارد بر حقوق مالکیت فکری قادرند حقوق و امتیازاتی را به سود منافع عمومی مقرر کنند. در این میان، تصویب دستورالعمل ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا درباره کپی‌رایت، معاهده مراکش و رویه قضائی برخی کشورها نقش حیاتی را در تشبیه حق کاربران برای دسترسی به دانش در شرایط بحرانی ناشی از بیماری‌های همه‌گیر از جمله کرونا و سایر بیماری‌های عفونی ایفا خواهند کرد. علاوه بر اینکه، جریان‌های مروج دسترسی آزاد نیز سهم بسزایی در تأمین نیازهای عمومی بر عهده داشته‌اند.

کلیدواژه‌گان:

آموزش الکترونیکی (مجازی)، بلاکچین، کووید-۱۹، مدیریت حقوق دیجیتال، نقض حقوق مالکیت فکری.

۱. این مقاله به سفارش «مرکز ملی تحقیقات حقوق سلامت» نگارش یافته است.
* استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

مقدمه

کووید-۱۹ جهان جدیدی را برای همگان ترسیم کرده است. جهانی که اقتضات و مؤلفه‌های خود را دارد. بسیاری از مردم ناگزیرند در منزل بمانند و از دور مدیریت امور خود را انجام دهند. در این میان، فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان و دانشجویان امری است که نمی‌تواند حتی با وجود ویروسی مسری و احتمالاً خطرناک متوقف شود؛ بنابراین، توسل به سازوکارهای جدید برای عدم تعطیلی آموزش در دستور کار کشورها قرار گرفته است و بسته به سطح توسعه‌یافتگی کشورها و پیشرفته بودن زیرساخت‌های مدارس و دانشگاه‌ها، روشی غیرحضوری برای آموزش برگزیده می‌شود.

برخی برای آموزش از شبکه‌های اجتماعی موجود، مانند واتساپ و اسکایپ استفاده می‌کنند و برخی دارای سامانه‌های آموزش الکترونیک هستند که از آن طریق به امر آموزش مبادرت می‌کنند. اگرچه این شیوه‌ها، جذابیت و البته مشکلات فنی نیز دارد، فعلاً تنها راهی است که برای آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان به کار می‌رود. در این میان، این شیوه دارای مخاطرات حقوقی است که می‌تواند در حوزه‌های مختلف حقوق کیفری، مسئولیت مدنی و مانند آن مورد مطالعه قرار گیرد.

اما آنچه در مجال مقاله حاضر مورد مطالعه قرار می‌گیرد، چالش‌هایی است که آموزش‌های الکترونیک از دیدگاه حقوق مالکیت فکری مطرح می‌نماید. به‌طور کلی، بستر الکترونیک این شرایط را فراهم می‌کند که محصلان، تکالیف کلاسی و تحقیقاتی خود را در آن ارائه کنند و از سویی معلمان و اساتید نیز در همین بستر به‌صورت تصویری- صوتی یا صوتی صرف به تدریس مباحث خود می‌پردازند و گاه ناگزیرند از فایل‌های آموزشی حاوی آثار دیگران (مانند فیلم یا موسیقی) برای اثبات و تدریس مباحث عملی استفاده کنند.

اگرچه این فرایند آموزشی همیشه در محیط فیزیکی نیز روی می‌داده است، اکنون محیط الکترونیک، امکان ذخیره‌سازی و اشتراک‌سازی و نشر و عرضه گسترده آثار علمی را فراهم می‌آورد؛ امری که می‌تواند مورد رضایت مؤلفان آنها نباشد. محتواهای علمی می‌تواند در دسترس دانش‌آموزان، دانشجویان و اساتید دیگر نیز قرار گیرد و آنها چنین آثاری را بدون پرداخت هزینه‌ای مورد استفاده قرار دهند یا حتی آنها را به‌عنوان حاصل کار شخصی خود مجدداً در

کلاس‌ها و مجامع علمی ارائه کنند یا در نشریات علمی به نام خود منتشر کنند. این مخاطره می‌تواند برای آینده علمی هر کشوری جدی و قابل‌تأمل باشد؛ چه کووید-۱۹ و شاید بیماری‌های همه‌گیر دیگر در آینده با ما زندگی می‌کنند و این انسان‌ها هستند که باید چاره‌ای برای حیات مسالمت‌آمیز با آن به کار ببرند.

بنابراین مسئله اصلی مقاله کنونی آن است که چالش‌های حقوق مالکیت فکری ناشی از آموزش الکترونیک چیست؟ و چگونه می‌توان این چالش‌ها را مدیریت نمود؟ این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی تلاش می‌کند به این پرسش‌ها در هفت بخش پاسخ دهد. در بخش‌های مختلف، انواع آثار و راه‌های نقض بررسی می‌شود و سپس در خصوص استثنائات وارد بر حقوق انحصاری مؤلفان و مدیریت حقوق دیجیتال و سرانجام صدور مجوزهای بهره‌برداری سخن خواهد رفت.

۱. آثار مورد نقض

در آموزش‌های مجازی، هر نوع اثر نوشتاری در قالب متن، جدول، نمودار، به‌صورت اسلاید یا اثر موسیقایی و سمعی و بصری مانند فیلم می‌تواند مورد استفاده مدرس قرار گیرد. در این بستر، بسیاری از مدرسان تلاش می‌کنند برای ارائه بهتر و تفهیم مناسب مطالب به محصلانی که در فاصله دوری از آنها قرار دارند، فیلم آموزشی تهیه کنند، پاورپوینت تولید نمایند، جداول یا نمودارهایی را ترسیم کنند یا حتی سؤالاتی را برای تمرین، طراحی و در اختیار دانش‌آموزان و دانشجویان خود قرار دهند. همه این موارد که ممکن است متعلق به مدرس یا شخص ثالثی باشد، مشمول عنوان آثار مورد حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قرار دارد (مواد ۱ و ۲). افزون بر اینکه، ارائه شفاهی استاد و معلم نیز می‌تواند خود به‌عنوان اثر شفاهی مورد حمایت باشد.

همچنین، سبک منحصر به فرد یک معلم و استاد در تبیین مطالب درسی (مثلاً تدریس با شعر و موسیقی) می‌تواند ارائه وی را از بقیه تدریس‌های علمی متمایز کند و در صورتی که در فضای الکترونیک منتشر شود، آن را با واکنش‌ها و استقبال گسترده روبرو نماید. البته این فقط به مدرسان محدود نمی‌شود و پروژه‌های کلاسی محصلان نیز می‌تواند به شرط اصالت و ابتکار از حمایت برخوردار شود. چنانچه دانش‌آموزی که تلاش می‌کند یک مبحث درس ریاضی را با

طراحی پویانمایی ارائه کند یا دانشجویی که گزارش‌های کلاسی را در قالب طبقه‌بندی ابتکاری بیان می‌کند، خالق یک اثر ادبی و هنری مشمول حمایت قانون است.

علاوه بر این، بسیاری از مدرسان در هنگام تدریس و در فرایند آموزش و امتحان از آثار دیگران مثل فیلم‌ها یا مقالات استفاده می‌کنند که آن آثار می‌تواند مشمول حمایت قانونی باشد. افزون بر اینکه به اقتضای محیط آموزشی جدید، مدرس ناچار است برخی آثار را برای ارائه در کلاس خود به فرمت صوتی یا تصویری تبدیل کند تا در روند آموزش از آنها بهره گیرد.

لازم به ذکر است، محتوای علمی مباحث نیز اگرچه ممکن است مشمول حقوق مالکیت فکری نباشد، اگر بدون اجازه استاد در جای دیگر به نام دانشجوی وی یا دیگری منتشر شود، می‌تواند ذیل مقررات مربوط به اخلاق پژوهش و مباحث سرقت علمی قرار گیرد. به طور مثال، اگر دانشجویی برای تهیه مقاله خود از ایده خلاقانه استادش در ارائه یک نظریه علمی استفاده کند یا ارائه‌های شفاهی استاد در کلاس را با ادبیات شخصی خود بازنویسی و در وبلاگ شخصی به نام خود منتشر کند، مرتکب مصادیقی از سرقت علمی شده است.^۱

بنابراین، هرگونه اثر شفاهی یا کتبی یا صوتی - تصویری که در هر قالب در کلاس الکترونیک ارائه شود، به شکلی مشمول حمایت حقوقی قرار می‌گیرد. این حمایت به معنای آن است که هر کس بدون موافقت مؤلف، یعنی معلم و استاد یا حتی دانش‌آموز و دانشجو (و حتی اشخاص ثالث مؤلف که آثارشان در فرایند آموزش استفاده می‌شود)، آن اثر را بر روی کامپیوتر، گوشی موبایل یا فضاهای ابری و مانند آن ذخیره کند، بعداً مشاهده یا استماع نماید یا در سایت‌ها و کانال‌های شخصی و عمومی در دسترس عموم قرار دهد و یا هر نوع استفاده دیگری کند، می‌تواند با تعقیب قضایی روبرو شود. افزون بر اینکه، سرقت علمی نیز می‌تواند مشمول مقررات انضباطی و قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶ گردد.

۲. بستر نقض حق

مشاهدات میدانی از وضعیت آموزش الکترونیک در مدارس و دانشگاه‌ها نشان می‌دهد در روزهای کرونایی، آموزش مدارس و برخی دانشگاه‌ها عمدتاً از طریق شبکه‌های اجتماعی خارجی

۱. برای مطالعه بیشتر رک: شاکری، زهرا، سرقت علمی و ضمانت اجرای مقابله با آن؛ با تأکیدی بر مسئله تعامل سرقت علمی و نظام حقوق مالکیت فکری، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴، صص ۶۷۵-۶۵۵

مانند واتساپ و اسکایپ و سپس شبکه‌های اجتماعی داخلی مانند روبیکا، سروش و شاد صورت گرفته است. علاوه بر اینکه، برخی دانشگاه‌های مادر و اصلی مانند دانشگاه تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبائی خود از سامانه آموزش الکترونیکی مستقل برخوردارند که از طریق آن کلاس‌های درسی را برگزار می‌کنند، بنابراین برای درک بهتر جنبه‌های مختلف نقض حق، ابتدا لازم است امکانات این محیط‌ها را بررسی کرد.

۲.۱. شبکه‌های اجتماعی

در برخی شبکه‌های اجتماعی، امکان گفتگوی آنلاین متنی و تصویری - صوتی وجود دارد. اگرچه امکان ارتباط آنلاین تصویری در بسیاری موارد از نظر کیفیت پایین با اقبال روبرو نمی‌شود، معمولاً مدرسان مباحث خود را در قالب فایل‌های صوتی ضبط و از طریق این شبکه‌ها ارسال می‌کنند و محصلان بعد از استماع، سؤالات خود را مطرح و از همین طریق، کنفرانس‌ها و ارائه‌های خود را نیز ارسال می‌کنند. بنابراین، این امکان وجود دارد که پس از بارگذاری فایل‌های صوتی (و احياناً تصویری)، کاربر آن را در دستگاه شخصی خود ذخیره کند یا در گروه‌های دیگر به اشتراک بگذارد. البته اگر برای شنیدن فایل چاره‌ای جز دانلود نباشد، نمی‌توان بر کاربر استفاده‌کننده خرده گرفت. اما در صورتی که بتوان از فایل بدون دانلود استفاده کرد، این سؤال مهم مطرح است که دانلود وی عملی مجاز است یا خیر؟ آیا دانش‌آموزان و دانشجویان می‌توانند فایل‌های ارسالی استاد خود را در گروه‌های دیگر به اشتراک بگذارند یا در وبلاگ یا صفحات شخصی خود در سایر شبکه‌ها مانند اینستاگرام عرضه کند؟

به‌طور کلی، بسیاری از معلمان و اساتید محترم از حقوق قانونی خود در این خصوص بی‌اطلاع‌اند و بعد از مشاهده فایل تدریس خود در شبکه‌های اجتماعی به این می‌اندیشند که به این عمل رضایت نداشته‌اند. در هر حال، فارغ از آگاهی مدرسان، باید گفت فایل صوتی یا تصویری تدریس، یک اثر است و برای ذخیره‌سازی و اشتراک‌سازی و هرگونه استفاده به اخذ اجازه مؤلفان نیاز خواهد بود. بی‌تردید عدم حفاظت فنی از فایل‌ها و عدم مدیریت الکترونیک آنها (مثلاً نصب رمز بر روی فایل‌ها) می‌تواند بستر بهره‌برداری از آن اثر را در غیر از کلاس درس فراهم نماید. به‌طور کلی، هرگونه دسترسی به اثر در هر زمان و مکانی به موافقت مؤلف نیاز دارد و اوست که می‌تواند از طریق صدور جواز استفاده از اثر در محیط‌های دیگر حتی ارزش‌افزوده مادی برای خود مهیا کند. بنابراین، بستر نقض در شبکه‌های اجتماعی بسیار مهیاست.

۲.۲. سامانه‌های آموزش الکترونیک

بعضی از دانشگاه‌های کشور^۱ از سامانه تخصصی که برای آموزش الکترونیک طراحی شده است، برای آموزش مجازی استفاده می‌کنند. در این سامانه‌ها، دروس هر استاد تعریف شده است و در ساعات هفتگی هر کلاس، استاد و دانشجو برای برگزاری کلاس به آن مراجعه می‌کنند. سامانه‌های مذکور از امکانات ارتباط تصویری و صوتی برای برگزاری کلاس برخوردارند و اساتید محترم می‌توانند برای ذخیره‌سازی کلاس، گزینه ضبط کلاس را انتخاب و در پایان کلاس، آن را قطع کنند. این امر موجب می‌شود دانشجویان غایب و دانشجویانی که به بازآموزی نیاز دارند، بعد از خاتمه کلاس، فایل‌های صوتی و تصویری را مشاهده یا استماع نمایند. علاوه بر این، در همین سامانه امکان ارائه، تکالیف درسی و برگزاری آزمون با لحاظ نکات امنیتی وجود دارد. این سامانه‌ها می‌توانند گنجینه ارزشمندی از آثار اساتید باشند که در آینده نیز محل ارجاع قرار گیرند. با وجود این، امکان ذخیره‌سازی فایل‌ها روی وسایل الکترونیکی شخصی دانشجویان، زمینه انتشار و عرضه این آثار را در محیط‌های غیر از فضای دانشگاه فراهم می‌آورد. امری که می‌تواند محل اعتراض اساتید یا دانشجویانی باشد که محتوای اخلاقانه‌ای را تهیه کردند و می‌خواهند از این آثار استفاده بعدی نمایند.

نمونه‌ای از امکانات سامانه آموزش الکترونیک دانشگاه تهران.

1. See: <https://utec.ut.ac.ir/>

۳. حقوق آثار

مستفاد از ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، حق انحصاری نشر، پخش، عرضه، اجرای اثر و هرگونه بهره‌برداری مادی و معنوی از اثر به مؤلف آن اختصاص دارد. همچنین با عنایت به ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیک، حق تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) آثار در محیط الکترونیک مورد حمایت است و مشمول ضمانت اجرای ماده ۷۴ قانون مذکور قرار می‌گیرد. لذا هرگونه تکثیر آثار علمی اساتید و دانشجویان و حتی مؤلفان ثالث در محیط مجازی می‌تواند با ضمانت اجراهای کیفی و حقوقی روبرو شود.

دانلود یک اثر الکترونیک، تکثیر تلقی می‌شود. لذا دانلود از شبکه‌های اجتماعی یا یک وبسایت یا هر منبع دیگری، مانند سامانه آموزش الکترونیک، اساساً مستلزم تهیه یک نسخه از اثر است و برای نسخه‌برداری از اثر به اخذ رضایت مؤلف یا هنرمند نیاز است؛ مگر آنکه اثر در قلمرو عمومی^۱ باشد یا استفاده از اثر در شمول استثنائات^۲ وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار گیرد. علاوه بر آن، عرضه اثر در محیط مجازی بر بستر اینترنت یا اینترنت از جمله حقوق مالکان فکری است که آن هم به اخذ اجازه از وی نیاز دارد. بنابراین، مدرسان و دانشجویان به عنوان پدیدآورنده نسبت به فایل‌هایی که در کلاس ارائه می‌کنند، از حقوق مادی و معنوی برخوردارند.^۳

یکی از مسائل مطروحه درباره محتوای ضبط شده کلاسی و آموزشی، حق مالکیت نسبت به کلیت کلاس ضبط شده است. این موضوع به این دلیل مطرح می‌شود که کلاس در بستر امکانات دانشگاه تهیه و ضبط شده است و استاد در استخدام یا رابطه قراردادی با وی قرار دارد. لذا ممکن است دانشگاه مدعی حقی در این خصوص باشد. به طور کلی، ضبط کلاس توسط شخصی صورت می‌گیرد که به هاست^۴ دسترسی دارد. در بعضی دانشگاه این عمل توسط پشتیبان و در بسیاری موارد توسط مدرس انجام می‌شود. به هر حال با ضبط کلاس، کل محتوای آن تثبیت و برای آیندگان باقی می‌ماند. در دانشگاه اُپن،^۵ مقالات و محتواهای آموزشی

1. Public Domain.

2. Exceptions.

۳. اگر از اثر شخص ثالث نیز در امر تدریس استفاده شود حقوق مالکیت فکری مطابق با مقررات رعایت خواهد شد.

4. Host

5. Open University.

با وجود اینکه در راستای وظایف استخدامی اعضای هیئت علمی است، به ایشان تعلق دارد (به غیر از موارد خاصی که در راستای ثبت اختراعات، الزام انتقال وجود دارد).^۱ در دانشگاه یو سی ال نیز علی‌رغم قاعده کلی تعلق حقوق مالکیت به دانشگاه درباره محتوای آموزشی، یک استثنا قائل شده و آن را متعلق به عضو هیئت علمی می‌داند.^۲ در بعضی دانشگاه‌ها نیز به صراحت بیان شده است که دانشگاه می‌تواند محتواها را اصلاح کند (مانند یو سی ال).^۳

گزارش‌هایی وجود دارد که در کشورهای حقوق نوشته تمایل به اختیارات گسترده مدرس درباره محتوای آموزشی وجود دارد. اما در کشورهای حقوق کامن لاء، دانشگاه‌ها سیاست‌های متمرکز و دقیقی را در این باره پی‌ریزی کرده‌اند.^۴ در ایران، مقررۀ خاصی در خصوص حقوق کلی مالکانه نسبت به محتوای آموزشی ضبط شده مشاهده نمی‌شود. اما مشاهدات حاکی از آن است که اختیار ضبط کلاس در اختیار مدرس است. اگرچه دانشگاه‌ها بر ضرورت ضبط تأکید می‌کنند. دانشگاه‌ها هر چند وقت یک بار اقدام به حذف محتواها می‌کنند، اما پیش‌تر اطلاع‌رسانی لازم انجام می‌شود تا مدرسان فایل‌های کلاس را در سیستم‌های شخصی خود ذخیره کنند.

به نظر می‌رسد، مدرس پدیدآورنده اثر و نسبت به رعایت حق بر نام و حرمت اثر، محق است. اما با توجه به رابطه استخدامی مدرس با دانشگاه و اینکه وی بدین منظور آموزش را انجام و کلاس را ضبط می‌کند، دانشگاه می‌تواند دارنده حق مالکیت نسبت به محتوای آموزشی تلقی شود. با وجود این، خلأ قانونی در این زمینه جدی است و نیاز به قانون‌گذاری یا تعریف آن در روابط قراردادی وجود دارد. چنانچه درباره نرم‌افزارهای رایانه‌ای به صراحت، حق مادی به استخدام‌کننده و کارفرما تعلق دارد (ماده ۶ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای)،

1. Noto La Diega, Guido and Priora, Giulia and Jütte, Bernd Justin and Pascault, Léo, Capturing the Uncapturable: The Relationship between Universities and Copyright through the Lens of the Audio-Visual Lecture Capture Policies (January 13, 2022). Forthcoming in Cristiana Sappa and Enrico Bonadio (eds), Art and Literature in Copyright Law: Protecting the Rights of Creators and Managers of Artistic and Literary Works (Edward Elgar Publishing). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4008227>, p.7 .

2. UCL, Intellectual Property Policy, available at <https://www.ucl.ac.uk/enterprise/about/governance-and-policies/ucl-intellectual-property-ip-policy>, para 2.1.2.

3. UCL, Intellectual Property Policy, para 2.4.4.

4. Noto La Diega, Op.Cit.p.20.

لذا در صورت تردید، حق مالکیت به مدرس تعلق دارد. به‌ویژه که به موجب ماده ۲ قانون حمایت از حقوق حمایت حقوق مولفان، حق ضبط به هر قسم از زمره حقوق پدیدآورنده است که وی حق واگذاری آن به غیر را دارد.

۴. استثنائات وارد بر حقوق

نظام حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه حقوق مالکیت ادبی و هنری، همواره استثنائاتی را به نفع کاربران آثار ادبی و هنری، از جمله کسانی که در پی استفاده آموزشی و علمی هستند، مقرر می‌کند. این بدین معناست، اشخاصی که قصد استفاده آموزشی از اثری را دارند، به اخذ اجازه از مؤلف/ صاحب حق نیاز ندارند. چنانچه به‌موجب ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، «کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به‌صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند، می‌توانند مطابق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید، از اثرهای موردحمایت این قانون از راه عکسبرداری یا طرق مشابه آن، به میزان موردنیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه‌برداری کنند». به‌عبارت‌دیگر، مؤسسات آموزشی مانند دانشگاه‌ها و مدارس غیرانتفاعی می‌توانند برای فعالیت‌های آموزشی خود از آثار دیگران نسخه‌برداری کنند. اگرچه این مقرر به تحلیل عمیقی نیاز دارد و در مجال این مقاله قرار ندارد، باید اضافه نمود استثنائاتی که برای مقاصد علمی مورد استناد قرار گیرند، فقط به ماده ۸ فوق‌الذکر محدود نمی‌شود و می‌توان به ماده ۷ قانون درباره استثنای نقل اشاره کرد که نقل از اثرهایی که انتشاریافته است و استناد به آنها با مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی و به‌صورت انتقاد و تقریظ بوده، با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است. افزون بر اینکه، نسخه‌برداری و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد، مجاز است (ماده ۱۱). نظام کنونی ایران، تفسیر این استثنائات را به دادرسان می‌سپارد و از بیان شاخص‌های استفاده آموزشی به‌صورت دقیق‌تر چشم می‌پوشد و این در حالی است که مقررات کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱۸۸۶) به‌صورت عینی‌تری به‌استثنای آموزشی و شاخصه کلی تفسیر آن پرداخته است.

بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون برن بیان می‌کند: «تعیین استفاده مجاز آموزشی تکثیر، پخش رادیویی، ضبط صوتی یا تصویری از آثار ادبی یا هنری، در اختیار قانون‌گذاری‌های کشورهای

عضو اتحادیه و توافق‌های خاص موجود بین آنها یا توافق‌هایی که در آینده منعقد می‌کنند، می‌باشد، به شرط اینکه چنین استفاده‌ای منصفانه بوده و با توجه به هدف قابل توجیه باشد». علاوه براینکه، بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون، نسخه‌برداری را در موارد خاص و مشخص که با بهره‌برداری عادی از اثر در تعارض نباشد و به منافع قانونی مؤلف زیان غیرمعقول وارد نکند، مجاز می‌داند.

بنابراین، استفاده آموزشی از اثر دیگری، یک مقرر با اختیار مطلق برای کاربران نیست و نیاز به تفسیر دارد. اولاً اینکه استثنا باید قلمرو کمی و کیفی محدودی داشته باشد. به طور مثال، باید مشخص شود که کدام گروه از محصلان می‌توانند اثر را تکثیر کنند؟ دانش‌آموزان همه مقاطع تحصیلی و دانشجویان همه مقاطع دانشگاهی؟ کدام آثار مشمول استثنا هستند؟ همه آثار ارائه‌شده در کلاس یا برخی آثار و در بعضی زمینه‌ها؟

مسلماً تجویز استثنا به نفع همه محصلان، به معنای آن است که کلیه افراد دانشجوی مرتبط می‌توانند این تکثیر را انجام دهند و این یعنی تخصیص اکثر که مطابق با اصول فقه پذیرفتنی نیست. لذا استثنای برحق باید تخصیص‌یافته و در چارچوب مشخصی تبیین شود.^۱ بنابراین لازم است قلمرو مشمولان را محدود کرد. به طور مثال می‌توان گفت فقط دانشجویان کلاس درس «الف» می‌توانند این تکثیر را انجام دهند و آنها مجاز نیستند این نسخ کاغذی یا الکترونیکی را به دانشجویان سایر کلاس‌ها و دوره‌ها واگذار کنند.

از سویی، هدف استفاده نیز باید آموزشی باشد. به عبارت دیگر، باید یک کلاس درسی باشد که طبق ضوابط دانشگاه یا مدرسه تشکیل شده و قرار است فرایند آموزش حضوری یا غیرحضوری از طریق آن صورت گیرد. افزون براین، وقوع شرایط بحرانی در کشور -مانند درگیری بخش قابل‌ملاحظه‌ای از دانشجویان و اساتید (و خانواده‌هایشان) با بیماری و ایجاد یک پاندمی- می‌تواند خاص بودن یک استثنا را تقویت نماید^۲ و جواز استفاده را ممکن کند.

علاوه براین، نسخه‌برداری نباید با بهره‌برداری عادی از اثر در تعارض باشد. بهره‌برداری مذکور کلیه روش‌هایی است که معلمان و اساتید یا مؤلفان ثالث در حال حاضر یا آینده برای

1. Desbois, Francon and Kerever, *Les Conventions internationales de droit d'auteur et des droits voisins*, Dalloz, 1976, pp.176-177.

2. Chohen Jehoram, Herman, "Restrictions on copyrights & their abuse", *European intellectual property review*, Vol. 27,2005, p.361.

استفاده از آثارشان در نظر دارند. به‌طور مثال، استادی در حال مطالعه و تحقیق بر روی موضوعی است که در آینده می‌خواهد آن را به کتاب تبدیل کند؛ ولی اکنون هم بخشی از آن مطالب را در قالب تدریس به دانشجویان خود ارائه می‌کند. تجربه شخصی نگارنده از تعامل خود با همکاران دانشگاهی نشان می‌دهد که بسیاری از آنها همواره نگران‌اند آموزه‌های ارائه‌شده بعداً توسط دانشجویان و به نام شاگردان سابق منتشر شود و تلاش‌های شبانه‌روزی اساتید به آبی به یغما رود. در اینجا باید گفت اگر در جامعه شکلی از بهره‌برداری رایج گردد که می‌تواند منبع درآمدی مهمی برای مؤلف باشد، آن شکل و قالب در قلمرو بهره‌برداری عادی قرار می‌گیرد. چنانچه اگر بسیاری از مؤلفان می‌توانند از فروش یا تجویز بهره‌برداری نسخه الکترونیکی کتاب‌هایشان به سود قابل توجهی دست یابند، این شکل بهره‌برداری، یک بهره‌برداری عادی محسوب می‌شود. از این‌رو مطالعه عرف بازار نیز در این زمینه از اهمیت برخوردار است.^۱

به‌طور کلی باید گفت توجه به میزان نسخه‌های تکثیرشده، به‌ویژه در جایی که تعداد زیادی نسخه برای استفاده دانشجویان فراهم می‌آید، می‌تواند یک عامل قابل تأمل تلقی شود؛ چه این امر با بهره‌برداری معمولی از اثر در تضاد است و چه بسا بسیاری از بازارهای بالقوه و بالفعل مؤلف را از میان بردارد.^۲ بنابراین امکان تکثیر و بهره‌برداری برای تعداد زیاد محصلان همواره یک فاکتور نگران‌کننده است.

سرانجام آنکه استفاده کاربران نباید با منافع قانونی مؤلف در تعارض باشد. منافع قانونی هر مؤلف بر اساس قانون ملی هر کشور تعیین می‌شود. در قوانین ایران، این منافع شامل حقوق مادی و معنوی بوده که در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و قوانین مرتبط و قانون تجارت الکترونیک مقرر شده است. لذا دانش‌آموزان و دانشجویان در استفاده از اثر معلم و استاد خود یا مؤلفان دیگر باید حق بر نام ایشان را رعایت و از جرح و تعدیل آن اثر پرهیز و از نشر این آثار خودداری کنند.

۱. حبیب، سعید و زهرا شاکری، سه‌گام؛ آزمون فراروی مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۹۲، شماره ۶۱، ص ۲۱۷.
 ۲. شاکری، زهرا و میثم اسماعیلی یدکی، بررسی تطبیقی استثناء استفاده آموزشی در حقوق مالکیت ادبی و هنری، مجله دانش حقوق مدنی، سال ۱۳۹۶، دوره ۶ بهار و تابستان ۹۶، شماره ۱، ص ۲۱.

افزون بر این که باید بررسی شود آپلود اثر روی سامانه‌های الکترونیک آموزشی یا ارائه شفاهی بر روی فروم‌های کلاس مجازی به معنای اعمال حق افشای عمومی اثر یا تصمیم‌گیری نسبت به نخستین انتشار اثر بوده است یا خیر؟ قوانین جاری ایران در این خصوص مقررهای ندارند. اگرچه شاید بتوان مستفاد از مفهوم مخالف تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی (مصوب ۱۳۵۶) که بیان می‌کند تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده است؛ بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان توقیف نمی‌شود، گفت که حق افشا در ایران پیش‌بینی شده است. با وجود این، حق تصمیم‌گیری نسبت به اولین انتشار، مسئله مهمی است که اثر را وارد حیات عمومی می‌کند و لذا اثر باید با رضایت مؤلف منتشر شود تا بتوان درباره استثنای وارد بر آن سخن گفت.

همچنین یک پرسش مهم آن است که ارائه اثر روی فروم کلاس به معنای انتشار اثر^۱ (انتشار قانونی اثر) است؟ قانون حقوق مؤلفان، انتشار را تعریف نکرده است. اما با عنایت به مفهوم اثر انتشار یافته در بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون برن، می‌توان گفت اثری انتشار یافته که با رضایت پدیدآورنده، صرف‌نظر از نوع نشر با این هدف منتشر شود که قرار دادن نسخه‌ها در اختیار جامعه نیازهای منطقی آن را با توجه به طبیعت اثر برطرف نماید.^۲ در حالی که ارائه اثر در کلاس توسط استاد معمولاً با قصد دسترسی عمومی و تأمین نیازهای جامعه نیست؛ چه بسا که بسیاری از اساتید از حضور دانشجویان غیر از کلاس خود در کلاس جلوگیری می‌کنند و این بدان معناست که قصد ایجاد دسترسی عمومی به اثر را ندارند. لذا توجه به چنین ملاحظاتی در اینجا می‌تواند مهم و ضروری باشد و استفاده آتی از چنین آثاری می‌تواند لطمه غیرمعقولی را به حقوق پدیدآورنده (معلم یا استاد) وارد کند.

از سویی این استفاده اصولاً نباید با هدف تجاری باشد. بنابراین، اگر محصلی اثر استاد خود را در وبسایت خود به فروش برساند یا با دسترس قرار دادن آن در کانال خود، تبلیغات بگیرد، استفاده انتفاعی وی قطعی است و در شمار استفاده‌های مجاز ارزیابی نمی‌شود. همین امر درباره

۱. لازم به ذکر بوده حق افشا، حق معنوی و حق انتشار، حق مادی مؤلف است که می‌تواند به صورت هم‌زمان یا بافاصله از یکدیگر اعمال شوند.

۲. عرضه یک اثر نمایشی، نمایشی - موسیقایی یا سینمایی، اجرای یک اثر موسیقی، بازخوانی یک اثر ادبی در برابر عموم، ارسال یا پخش رادیویی آثار ادبی یا هنری، به نمایش گذاردن یک اثر هنری و ساخت یک اثر معماری، انتشار تلقی نمی‌شود.

آثار اشخاص ثالثی نیز که در کلاس درس به مناسبت آموزش تکثیر و عرضه می‌شوند، مطرح خواهد بود.

مطالعات قوانین ملی کشورها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های فوق به انحای مختلف در قوانین انعکاس یافته است. به‌طور مثال، با عنایت به مواد ۳۱ و ۳۲ مقررات سلطنتی کپی‌رایت اسپانیا،^۱ توزیع نسخ اثر باید تنها میان دانشجویان و متصدیان آموزش مرکزی که تکثیر را انجام دادند، صورت گیرد و فقط همین افراد می‌توانند از طریق شبکه‌های داخلی و محدود خود به اثر دسترسی داشته باشند. افزون بر اینکه، اهداف غیرتجاری، افشای پیشین اثر، نبودن آثار در زمره کتب درسی و قید ذکر نام مؤلف از شروط اعمال استثنای استفاده آموزشی است. به‌موجب قوانین آلمان^۲ نیز تبدیل اثر به فرمت‌های تصویری یا صوتی برای مراکز آموزشی امکان‌پذیر است، اما این فایل‌ها باید در پایان سال تحصیلی‌ای که این عمل صورت گرفته است، حذف شود؛ مگر اینکه به مؤلف پرداخت عوض منصفانه‌ای صورت گیرد. در برخی کشورها نیز به‌صورت کلی بیان شده است استفاده از آثاری که به‌صورت قانونی منتشر شده باشند، برای اهداف آموزشی که مقاصد تجاری ندارد، مجاز است (مانند استونی)^۳ یا استفاده‌های آموزشی که اهداف تجاری یا اقتصادی مستقیم یا غیرمستقیم ندارد، مجاز است (مانند جمهوری چک).^۴

در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری سازمان تجارت جهانی (تریس) و معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری راجع به حق مؤلف نیز جواز استفاده از آثار دیگران منوط به رعایت آزمون سه‌گانه است. ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریس بیان می‌دارد: «اعضا محدودیت‌ها و استثنائاتی را در مورد حقوق انحصاری نسبت به برخی موارد خاص که با استفاده معمولی از اثر تعارض نداشته و لطمه‌ای نامعقول بر منافع مشروع دارنده حق وارد نیاورد، می‌توانند برقرار کنند». ماده ۱۰ معاهده وایپو نیز تصریح می‌کند: کشورهای عضو می‌توانند در قوانین داخلی خود محدودیت‌ها یا مستثنیات حقوق شناخته‌شده برای پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری به‌موجب این

1. Royal Legislative Decree 1/1996, (Spanish).

2. The Act on Copyright and Related Rights of 9 September 1965/189, as subsequently amended ("the Copyright Act"). It transposes several Directives (Directive 92/28/EEC, Directive 93/83/EEC, Directive 96/9/EC, Directive 97/55/EC, Directive 2001/29/EC, Directive 2001/84/EC, Directive 2011/77/EU and Directive 2012/28/EU). Section 47 and 52(1), (Germany).

3. Copyright Act of 1992, § 19 point 2 (Estonia).

4. Act No 121/2000 Coll. 31(1)(c). (Czech Republic).

معاهده را در موارد خاص پیش‌بینی کنند؛ به‌نحوی که به بهره‌برداری متعارف از اثر لطمه نزند و ضرر و زیان غیرقابل‌توجیه به منافع مشروع پدیدآورنده وارد نسازد. باوجوداین، ادبیات و لحن مقررات در دو معاهده اخیر با برن تفاوت دارد. کنوانسیون برن بر حق تکثیر تمرکز می‌کند؛ اگرچه در استثنای آموزشی درباره امکان ضبط و مانند آن نیز سخن می‌گوید. اما دو مقررۀ اخیر درباره کلیۀ حقوق انحصاری مؤلفان است و هر حقی می‌تواند در دایرۀ منافع عمومی تعدیل شود. افزون براینکه، کنوانسیون برن در پی حمایت از حقوق مؤلف و هنرمند است، ولی رویکرد تریپس و معاهده وایبو بر دارندۀ حق می‌باشد که مفهومی مطلق است و گروه کوچکی از آن می‌تواند مؤلف باشد.

اما مسئله مهم آن است که این استثنا در خصوص کاربران دیجیتال و در فرایند آموزش‌های از راه دور و مجازی نیز قابل‌اعمال است؟ تریپس به‌طور مطلق درباره حقوق و استثنائات صحبت می‌کند. اما معاهده وایبو که به معاهده اینترنت نیز معروف است، در خصوص فضای الکترونیک نیز کاربرد دارد.^۱ اما به دلیل گستردگی امکانات نقض حق در فضای مجازی، همواره به این استثنا تردیدآمیز نگریسته شده است، تا اینکه در دستورالعمل جدید اتحادیه اروپا درباره کپی‌رایت و حقوق مرتبط در بازار واحد دیجیتال^۲ این دغدغه موردتوجه و عنایات اعضا قرار گرفت. در مقدمۀ این دستورالعمل درباره عدم روشنی اعمال استثنائات در فضای دیجیتال سخن گفته می‌شود و بر این امر که آموزش مجازی و از راه دور در دنیای امروز رایج شده است، تأکید می‌شود. موضوعی که در فضای کرونایی حاضر حقیقتاً درک می‌گردد. اگرچه ارائه‌کنندگان خدمات الکترونیکی آنلاین باید بهترین تلاش خود را برای حفظ حقوق دارندگان حق انجام دهند، رویکرد مقررات جدید آن است که این تدابیر نباید به تعدیل دسترسی به استثنائات از جمله نقل، انتقاد و مانند آن منجر شود (بند ۷ ماده ۱۷). ماده ۵ دستورالعمل به استفاده از آثار یا سایر محتواهای دیجیتال به منظور اهداف آموزشی و غیرتجاری می‌پردازد و جواز تعدیل یا حذف حق تکثیر، به اطلاع عموم رساندن و در دسترس عموم قرار دادن صاحبان حق را فراهم می‌کند.

۱. قطعنامه درباره بند ۴ ماده ۱ معاهده در اجلاس ۱۹۹۶: «حق تکثیر آنگونه که در ماده ۹ کنوانسیون برن و استثنائات مجاز مربوط به آن مقرر گردیده، به‌طور کامل در محیط دیجیتال و در خصوص استفاده دیجیتالی اعمال می‌شود. بدیهی است که ذخیره یک اثر حمایت‌شده در شکل دیجیتالی [و] در یک محیط الکترونیکی، یک تکثیر در چارچوب مفهوم ماده ۹ کنوانسیون برن را تشکیل می‌دهد».

2. DIRECTIVE (EU) 2019/790 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 17 April 2019 on copyright and related rights in the Digital Single Market and amending Directives 96/9/EC and 2001/29/EC.

بنابراین تحدید حقوق مالکیت فکری در راستای اهداف آموزشی می‌تواند موضوع مهم و خطیری در آموزش‌های مجازی عصر کووید-۱۹ تلقی شود. مؤسسات آموزشی با ذکر نام مؤلف و منبع و اهداف غیرانتفاعی می‌توانند از این استثنا بهره‌مند شوند. اهمیت این مقرر به آن است که قاعده امری است (بند ۱ ماده ۷) و در شرایط پاندمی، راهگشا می‌باشد. البته این استثنا ممکن است معوض و با جبران خسارت منصفانه^۱ همراه باشد. لذا ممکن است برای مؤسسات آموزشی که تمکن مالی مناسبی ندارند، مشکل‌آفرین باشد. ماده ۱۷ نیز در این دستورالعمل بسیار مهم است. در ماده اخیر، ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی باید به‌طور فعال محتوای به اشتراک گذاشته شده توسط کاربران اینترنت را بررسی، و محتواهای شامل حق کپی‌رایت را از دسترس خارج کنند. درحالی‌که در دستورالعمل سابق اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۱، این شرکت‌ها تنها در صورتی موظف به حذف محتوی بودند که گزارش مبنی بر نقض کپی‌رایت دریافت می‌کردند. از این‌رو، توجه به ملاحظات حقوقی و فنی برای تضمین حقوق کاربران آموزش‌های مجازی می‌تواند دستور کار آتی نظام آموزشی باشد.

۵. اعمال مدیریت حقوق دیجیتال

در مسئله آموزش الکترونیک دو حق می‌تواند در برابر یکدیگر قرار گیرد. از یک‌سو، حقوق مؤلفانی از جمله اساتید، معلمان و دانش‌پژوهانی که آثار خود را به هر نحو و قالبی در کلاس‌های آنلاین ارائه می‌کنند و از سوی حقوق دانش‌آموزان و دانشجویانی که در شرایط ناگوار کنونی باید امر تحصیل خود را با موفقیت به پایان برسانند. این دو امر اگرچه در جای خود محل تأکید است، می‌تواند با یکدیگر در تعارض قرار گیرد. هنگامی که آموزش در محیط الکترونیک روی می‌دهد، مدرس نگران است که مطالب و آثار وی بعداً یا همان زمان بدون اجازه وی منتشر شود. از این‌رو، وی در پی اتخاذ روش‌هایی است که این مخاطره را کنترل کند. بنابراین وی از «مدیریت حقوق دیجیتال»^۲ بهره می‌برد. بدین معنا که از سازوکارهای محدودکننده‌ای استفاده می‌کند که دسترسی و کپی‌برداری غیرمجاز آثار را به حداقل برساند.^۳ به‌طور مثال، هرکسی حق ورود به

1. Fair Compensation.

2. Digital Rights Management (DRM).

3. Scharf, Nick. 2010. "Digital Rights Management and Fair Use". *European Journal of Law and Technology*, 1(2), p.3.

کلاس مجازی را ندارد و ورود با درج رمز امکان‌پذیر است یا دسترسی به محتواهای مکتوب یا شنیداری با اعمال رمز صورت می‌گیرد. افزون بر اینکه، مدرس از ضبط کلاس خودداری می‌کند و فقط محصلان می‌توانند یک‌بار به کلاس گوش دهند یا آن را مشاهده کنند. امروزه «رمز عبور»^۱ و «رمزنگاری»^۲ دو نوع از روش‌هایی هستند که به‌منظور مدیریت آثار دیجیتالی استعمال می‌شوند. علاوه براینکه برخی از اقسام مدیریت حقوق دیجیتال به دارندگان حق اجازه کنترل آتی را نیز می‌دهد. به‌طور مثال، در کلاس‌های حضوری، استاد نمی‌داند محتوایی که ارائه می‌شود، چه سرنوشتی پیدا می‌کند. اما با استفاده از فناوری‌های جدید می‌توان استفاده‌های آینده دانشجویان را نیز رصد کرد. این امر درباره کتاب‌های الکترونیکی یا سایر آثار دیجیتالی، قابل‌اعمال و نظارت است.^۳ موضوع اخیر در معاهده فوق‌الذکر وایپو نیز لحاظ شده است و اعضای معاهده موظفانند حمایت قانونی کافی و ضمانت‌اجراهای حقوقی مؤثری را علیه نقض تدابیر فنی که مؤلفان در راستای اعمال حقوق خود، طبق این معاهده یا کنوانسیون برن، مورد استفاده قرار می‌دهند، فراهم کنند (ماده ۱۱).

تدابیر اتخاذی می‌تواند به شکلی باشد که دانش‌آموز یا دانشجو در ساعت کلاس به محتوا دسترسی داشته باشد و پس از کلاس، این امکان از بین برود. باوجوداین، ضبط کلاس با دوربین‌های شخصی موبایل محصلان همیشه امکان‌پذیر است و این امکان وجود دارد که بعداً محتوا پیاده‌سازی شود. البته باید توجه کرد نظام حقوق مالکیت فکری از شکل و تجلی خارجی اثر حمایت می‌کند و اگر محصلی محتوا را در شکل شخصی خود پی‌ریزی کند، می‌تواند مشمول مقررات سرقت علمی شود (نه نقض حقوق مالکیت فکری). باوجوداین، نشر فیلم یا صوت کلاس به‌عنوان اثر مدرس می‌تواند به نقض حقوق مالکیت فکری وی منجر شود.

اکنون با توسعه بلاک چین، می‌توان محتواهای درسی و کلاسی را بر بستر بلاک‌چین ذخیره کرد. به این ترتیب، ضمن تثبیت زمان ایجاد اثر و تعیین مولف آن، دسترسی‌ها با کمک هوش مصنوعی کنترل می‌شود و دانشجویان / دانش‌آموزان نمی‌توانند هیچ‌گونه استفاده نقض‌آمیزی را

1. Password.

2. Cryptography

3. Kerr, Ian R, and Jane Bailey. 2004. "The Implications of Digital Rights Management for Privacy and Freedom of Expression". *Journal of Information, Communication & Ethics in Society*. 2, p.88.

نسبت به آن انجام دهند. اعتبار بلوک‌ها به حدی است که می‌تواند در آینده همچون سند رسمی تلقی شود و در حد سند مالکیت باشد. پیوستگی زنجیره‌ها و ماهیت بلاک‌چین که ضبط کننده داندلدها و آپلودها است، هر تغییر در فایل‌های کلاسی را توسط مدرس یا دانشجو ثبت می‌کند و کسی غیر از خالق نمی‌تواند تغییری در این محتوا انجام دهد در واقع سازوکار ثبت در بلاک‌چین مبتنی بر خودمدیریتی است و در کمترین زمان اعلام‌ها را انجام داده و صحت آنچه را که در آستانه ثبت است، با سایر اطلاعات ثبت شده تطبیق می‌دهد. هنگامی که یک فایل دیجیتال آموزشی در هر قالبی بارگذاری می‌شود، پدیدآورنده دارای امضای دیجیتال و کلید خصوصی، دسترسی به هش بلوکی را که رمزنگاری فایل بر آن انجام شده است، در اختیار دارد. پس تنها پدیدآورنده می‌تواند اطلاعات فایل مذکور را تغییر دهد؛ ارتباط خالق اثر با هش مذکور از طریق کلید به قوت خود باقی می‌ماند و پس از ثبت نیز بدان دسترسی دارد تا تغییرات احتمالی از جمله به‌روزرسانی محتواها و افزایش/ کاهش کاربران را لحاظ کند. از طریق همین فناوری می‌توان اجازه مدرس/ دانشجو یا دانشگاه را برای استفاده‌های آتی اخذ کرد.^۱

در خاتمه باید افزود، مشکلات کلاس‌های مجازی از طریق شبکه‌های اجتماعی به‌مراتب از سامانه‌های آموزش الکترونیک بیشتر است. چه در این محیط اساساً امکان اشتراک‌سازی وجود دارد و محتواهای علمی در فاصله چند ثانیه در گروه‌های مختلف منتشر می‌شوند و حتی اگر مدرس فایل آموزشی را از گروه کلاس حذف کند، فایل مذکور در سایر گروه‌های دانشجویی و دانش‌آموزی وجود دارد. معمولاً در موافقت‌نامه شروط خدمات شبکه‌های اجتماعی مجازی، شرطی درج شده است که تأمین‌کننده خدمات از کاربر مجوز بهره‌برداری غیرانحصاری، قابل‌انتقال، با مجوز فرعی از تمام حقوق خود را برای هرگونه بهره‌برداری (تجاری و غیرتجاری) از اثر تحت حمایت حقوق مالکیت فکری بدون دریافت حق‌الامتیاز با دامنه شمول گسترده دریافت می‌کند. غیرانحصاری بودن مجوز بدان معناست که پدیدآورنده (کاربر) می‌تواند اثر تحت مجوز شبکه را به هر طریقی که بخواهد، به اشخاص دیگر منتقل کند و کاربر همچنان مالک اثر

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سلامی تبار، امیر و مهدی ناصر، **کارکرد بلاک چین در حمایت از کپی‌رایت**، پژوهش حقوق خصوصی، سال هشتم، بهار ۱۳۹۹، شماره ۳۰، صص ۳۹-۹؛ شاکری، زهرا، **کپی‌رایت در بستر بلاک چین؛ جزیره گمشده ای برای مولفان و هنرمندان!**، نخستین کنفرانس بین‌المللی بلاک چین، رمزارزها و اقتصاد جهانی، باشگاه نوآوری و فناوری یونسکو ایران، تهران، ۱۵ مرداد ۱۴۰۰.

باقی می‌ماند. این مجوز بهره‌برداری ظاهراً رایگان است؛ یعنی کاربر مجوز بهره‌برداری آثار خود را به طور رایگان و بدون دریافت حق الامتیاز در اختیار شبکه قرار می‌دهد. افزون بر این، کاربر هر زمان و بنا به هر دلیلی می‌تواند با حذف اطلاعات یا اثر فکری یا حذف حساب کاربری به مجوز بهره‌برداری غیرانحصاری خاتمه دهد؛ مگر اینکه اطلاعات یا اثر فکری با دیگران به اشتراک گذاشته شود و آنها اثر را حذف نکرده باشند.^۱ بنابراین با اشتراک‌گذاری، مجوز خاتمه می‌یابد و اثر برای همیشه در دسترس عموم قرار می‌گیرد و این تقدم حق عمومی بر حق خصوصی مؤلفان است. با وجود این، بند (ه) ماده ۵۹ قانون تجارت الکترونیک ایران بیان می‌کند: شخص موضوع داده‌پیام باید بتواند در هر زمان با رعایت ضوابط مربوطه درخواست محو کامل پروندهٔ رایانه‌ای داده‌پیام‌های شخصی مربوط به خود را بنماید. بنابراین احتمالاً بتوان بر اساس این بند، شبکه‌های اجتماعی ملی را برای حذف آثار علمی اقناع کرد.

به‌طور کلی، ارائه‌دهندگان خدمات شبکه‌های مجازی، فقط در موارد کاملاً آشکار نقض یا اعلام صاحب حق، مداخله و اقدام به حذف می‌کنند و بعید است که همه مدرسان بدانند یا بتوانند خطاری را به شبکه ارسال کنند. با وجود این، استفاده از شبکه‌های اجتماعی داخلی که امکان انعقاد قرارداد برای پیگیری چنین مواردی را داشته باشند، شاید بتواند به مدیریت حقوق دیجیتال کمک کند.

۶. صدور مجوزهای اختیاری استفاده آزاد

در شرایط همه‌گیری کرونا، بسیاری از صاحبان حقوق آثار ادبی و هنری تلاش کردند با اتکا بر مسئولیت اجتماعی خود در برابر مردم، مجوز استفاده از آثار را بدون پرداخت هزینه یا با محدودیت‌های کمتر نسبت به قبل اعطا کنند. چنانچه برخی دانشگاه‌ها امکان دسترسی به کل متن پایان‌نامه‌ها را برای دانشجویان خود در نظر گرفتند.^۲ به عبارت دیگر، در دورانی که شرایط دشواری برای همگان وجود دارد، دسترسی به آثار برای محصلان و پژوهشگران تأمین می‌شود.

۱. شبیری زنجانی، سید حسن، زهرا شاکری و فاطمه خیاطی، مجوز بهره‌برداری از آثار فکری در شبکه‌های اجتماعی؛ با نگاهی به رویکرد آمریکا و ایران مطالعات حقوقی، سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۴۷-۱۴۳.
2. <https://www.sbu.ac.ir/Lists/News/DispForm.aspx?ID=25241>.

با وجود این، شیوه اخیر به اختیار صاحب حق وابسته است و وی باید مستقلاً و برحسب وجدان خود برای کمک به جامعه گام بردارد.

۷. صدور مجوزهای اجباری استفاده آزاد و تحدید حق مالکیت فکری

معمولاً در حوزه اختراعات،^۱ امکان صدور مجوز بهره‌برداری اجباری به دلیل ملاحظات امنیتی و بهداشتی وجود دارد. اما چنین امکانی درباره آثار ادبی و هنری در قوانین مالکیت ادبی و هنری ایران پیش‌بینی نشده است. در کنوانسیون برن و بخش پیوست آن، پاره‌ای از موارد مجوز بهره‌برداری پیش‌بینی شده است؛ چنانچه مطابق با ماده ۳ بخش پیوست، کشورهای درحال توسعه می‌توانند مجوز غیرانحصاری و غیرقابل انتقال در خصوص تکثیر آثار چاپی یا مانند آن را صادر نمایند. البته این مجوز بعد از گذشت مدتی، مثلاً پنج سال از تاریخ نشر و عدم قیمت معقول برای تهیه اثر صادر می‌شود. لذا این مجوز اجباری نمی‌تواند هدف کاربران را در دسترسی به آثار در شرایط پاندمی فراهم کند.

برخی نویسندگان در شرایط جدید جامعه جهانی، تئوری تعدیل حقوق ناشی از مالکیت فکری در راستای منافع عمومی را پیشنهاد کرده‌اند. این امر بی‌سابقه نبوده و مواردی از تحدید حقوق خصوصی به دلیل ملاحظات ناشی از آزادی بیان یا حقوق بشر به‌ویژه در اروپا مشاهده شده است.^۲ چنانچه دادرس پرونده‌ای (در رابطه با پرنسس دایانا) صریحاً اعلام می‌کند که بنا به ملاحظات ناشی از اخلاق یا سلامت عمومی می‌توان مانع اعمال حقوق مالکیت ادبی و هنری شد.^۳ افزون بر این، یک دادگاه کانادایی استفاده منصفانه را به عنوان حق کاربر ارزیابی کرده است. این امر نقش حیاتی در ترویج منافع عمومی دارد.^۴ با وجود این، تفسیر استفاده منصفانه در عمل مهم

۱. ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶.

2. Hudson, Emily and Wragg, Paul, **Proposals for Copyright Law and Education During the COVID-19 Pandemic** (June 3, 2020). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3617720>.

3. Hyde Park Residence Ltd v Yelland, News Group Newspapers Ltd, News International Ltd, Murrell: CA 10 Feb 2000.

4. Keatley Surveying Ltd v Teranet Inc, 2019 SCC 43 at para 45. Available at: https://scc-csc.lexum.com/scc-csc/scc-csc/en/item/17918/index.do?site_preference=normal.

بوده و ممکن است قابل اعمال نباشد. به ویژه در محیط آنلاین که الگوریتم‌ها توان تحلیل چنین امری را ندارند.^۱

در این خصوص باید افزود، معاهده مراکش به منظور تسهیل دسترسی به اوراق چاپی برای نابینایان، معلولان دیداری و دیگر معلولان خوانشی^۲ نیز حاصل یک واکنش حقوق بشری نسبت به مقوله حقوق مالکیت ادبی و هنری است که امکان تبدیل فرمت آثار را برای برخی از معلولان فراهم می‌کند. این معاهده در دیباچه خود با سخن از عدم تبعیض و برابری حقوق معلولان و افراد سالم برخلاف سایر معاهدات حقوق مالکیت فکری که بر مبنای حمایت قاطع از صاحبان حق هستند، در راستای اهداف حقوق بشری گام برمی‌دارد.^۳ بنابراین شاید وقت آن باشد که به‌طور صریح منافع عمومی موجبی برای تعدیل یا تحدید حقوق انحصاری ناشی از حقوق مالکیت ادبی و هنری تلقی شود.

1. Craig, Carys J. and Tarantino, Bob. "An Hundred Stories in Ten Days": COVID-19 Lessons for Culture, Learning, and Copyright Law." Osgoode Hall Law Journal 57.3 (2021): 567-604. Available at: <https://digitalcommons.osgoode.yorku.ca/ohlj/vol57/iss3/3>.

2. Marrakesh Treaty to Facilitate Access to Published Works by Visually Impaired Persons and Persons with Print Disabilities (VIP), 2013.

۳. شاکری، زهرا، معاهده مراکش، تحولی در نظام حقوق مالکیت فکری؟! سخنی در استثناء استفاده معلولان، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲، ص ۲۶۸.

نتیجه‌گیری

کووید-۱۹، سبک زندگی اجتماعی از جمله فعالیت‌های آموزشی را با دگرگونی روبرو کرده است. این آموزش‌ها اکنون در بستر اینترنت و بر پایه شبکه‌های اجتماعی و سامانه‌های الکترونیک صورت می‌گیرد. این روش نوپا، از دیدگاه حقوق مالکیت فکری محل واکاوی و تأمل است؛ چه تدریس‌ها و فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی می‌تواند با اتکا بر امکانات الکترونیک به‌سادگی در محیط‌هایی غیر از کلاس، ذخیره و استفاده شود. امری که با حقوق پدیدآورندگان در تعارض است. از سویی در قوانین ملی معمولاً استثنائاتی به نفع کاربران آثار وجود دارد تا بتوانند در برخی موارد خاص بدون اخذ اجازه مؤلف به استفاده از اثر بپردازند. بنابراین، حق مؤلفان و حق دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به تحصیل و دسترسی به محتوای آموزشی می‌تواند رویاروی هم قرار گیرند. لذا نیاز به تفسیر مناسب از این دو حق است. معیار آزمون سه‌گام می‌تواند تا حدی برای تجویز استفاده‌های آزاد با لحاظ حقوق مؤلفان مفید باشد. اما به‌هرحال، تدابیر فنی اتخاذی از سوی مؤلفان می‌تواند دسترسی به آثار را محدود کند. باوجوداین، فضای بی‌منت‌های اینترنت و امکانات فنی که در دست‌ان محصلان است، امکان دارد تدابیر فنی مؤلفان را نیز خنثی کند. بنابراین برای حل چالش‌های ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری در شرایط آموزشی اخیر پیشنهادهای ذیل قابل ذکر خواهد بود:

۱. به اساتید و معلمان ارجمند توصیه می‌شود از ارائه محتوای و آثاری که در پی نشر آتی آنها هستند، در بستر آموزش مجازی خودداری کنند.
۲. تا حد امکان از گزینه ضبط کلاس استفاده نشود و کلاس‌ها فقط به‌صورت آنلاین ارائه شوند.
۳. فایل‌های حاوی محتوای آموزشی رمزنگاری شده و استفاده از آنها فقط در طول مدت کلاس مجازی تجویز شود.
۴. می‌توان در خصوص برخی از دروس ویژه و استراتژیک از فناوری‌های ردیابی استفاده‌های آتی استفاده کرد.
۵. مؤلفانی که از شبکه‌های اجتماعی برای تدریس استفاده می‌کنند، ترجیحاً از بستر شبکه‌های اجتماعی داخلی استفاده نمایند تا در صورت بروز چالش‌های حقوقی، بتوان از طریق مراجع قضایی داخلی به موضوع رسیدگی کرد.

سرانجام آنکه اگرچه کووید-۱۹ حقوق انحصاری مؤلفان را با چالش روبرو کرده است، اکنون دغدغه جهانی فارغ از شاخص‌های حقوقی به دنبال یک وحدت جهانی برای مساعدت به یکدیگر در حل یک مشکل مشترک است. بنابراین تشویق به توسعه مجوزهای اختیاری استفاده آزاد برای ادامه زندگی در شرایط جدید بسیار مهم است.

اگرچه ضروری است، به‌طورجدی به مقوله منافع عمومی به طور مستقل (و نه فقط در سایه استثنائات) در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز اندیشید. امری که در حیطه اختراعات با پیش‌بینی مجوزهای اجباری چاره‌اندیشی شده است. بنابراین بازنگری در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری برای درک موقعیت‌های جدید، حیاتی و ضروری است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. حبیبی، سعید و زهرا شاکری، سه‌گام؛ آزمونی فراروی مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۹۲، شماره ۶۱، صص ۲۴۸-۲۰۹.
۲. سلامی تبار، امیر و مهدی ناصر، کارکرد بلاک چین در حمایت از کپی‌رایت، پژوهش حقوق خصوصی، سال هشتم، بهار ۱۳۹۹، شماره ۳۰، صص ۳۹-۹.
۳. شاکری، زهرا و میثم اسماعیلی یدکی، بررسی تطبیقی استثناء استفاده آموزشی در حقوق مالکیت ادبی و هنری، مجله دانش حقوق مدنی، ۱۳۹۶، دوره ۶، بهار و تابستان ۹۶، شماره ۱، صص ۳۰-۱۹.
۴. شاکری، زهرا، سرقت علمی و ضمانت اجراهای مقابله با آن؛ با تأکیدی بر مسئله تعامل سرقت علمی و نظام حقوق مالکیت فکری، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴، صص ۶۷۵-۶۵۵.
۵. شاکری، زهرا، کپی‌رایت در بستر بلاک چین؛ جزیره گمشده‌ای برای مولفان و هنرمندان!، نخستین کنفرانس بین‌المللی بلاک چین، رمزارزها و اقتصاد جهانی، باشگاه نوآوری و فناوری یونسکو ایران، تهران، ۱۵ مرداد ۱۴۰۰.
۶. شاکری، زهرا، معاهده مراکش، تحولی در نظام حقوق مالکیت فکری؟! سخنی در استثناء استفاده معلولان، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲، صص ۲۸۴-۲۶۵.
۷. شبیری زنجانی، سید حسن، زهرا شاکری و فاطمه خیاطی، مجوز بهره‌برداری از آثار فکری در شبکه‌های اجتماعی؛ با نگاهی به رویکرد آمریکا و ایران، مطالعات حقوقی، دوره ۱۰، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲، صص ۱۶۲-۱۳۵.

قوانین و مقررات

۸. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
۹. قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹.
۱۰. قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۳.
۱۱. قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و طرح‌های صنعتی مصوب ۱۳۸۶.
۱۲. قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶.

ب) منابع انگلیسی

Books

13. Desbois, Francon and Kerever, “*Les Conventions internationales de droit d’auteur et des droits voisins*”, Dalloz, 1976.

Articles

14. Chohen Jehoram, Herman, “Restrictions on copyrights & their abuse”, *European intellectual property review*, Vol. 27,2005.
15. Craig, Carys J. and Tarantino, Bob. ““An Hundred Stories in Ten Days”:
COVID-19 Lessons for Culture, Learning, and Copyright Law.” *Osgoode
Hall Law Journal* 57.3 (2021): 567-604.
<https://digitalcommons.osgoode.yorku.ca/ohlj/vol57/iss3/3/>.
16. Hudson, Emily and Wragg, Paul, “Proposals for Copyright Law and
Education During the COVID-19 Pandemic” (June 3, 2020). Available at
SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3617720>.
17. Kerr, Ian R, and Jane Bailey. 2004. “The Implications of Digital Rights
Management for Privacy and Freedom of Expression”, *Journal of
Information, Communication & Ethics in Society*. 2.
18. Scharf, Nick. 2010.,” Digital Rights Management and Fair Use”, *European
Journal of Law and Technology*, 1(2).
19. Noto La Diega, Guido and Priora, Giulia and Jütte, Bernd Justin and
Pascault, Léo, “Capturing the Uncapturable: The Relationship between
Universities and Copyright through the Lens of the Audio-Visual Lecture
Capture Policies” (January 13, 2022). Forthcoming in Cristiana Sappa
and Enrico Bonadio (eds), *Art and Literature in Copyright Law:
Protecting the Rights of Creators and Managers of Artistic and Literary
Works* (Edward Elgar Publishing). Available at SSRN:

<https://ssrn.com/abstract=4008227> .

Acts

20. The Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works, 1886.
21. The Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS), 1994.
22. The WIPO Copyright Treaty (WCT), 1996.
23. Marrakesh Treaty to Facilitate Access to Published Works by Visually Impaired Persons.
24. and Persons with Print Disabilities (VIP), 2013.
25. DIRECTIVE (EU) 2019/790 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 17 April 2019 on copyright and related rights in the Digital Single Market and amending Directives 96/9/EC and 2001/29/EC/.

